



قواعد فقهیه (دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه)

گرایش فقه و اصول

(قاعدة لا ضرر)

استاد: حجت الاسلام والمسلمین آل‌وستانی

آموزشیار: آقای محمد تقی خواجوی

مقدمه:

در درس قبل دو صورت از موارد تعارض بین ضررین مطرح گردید، مثال صورت دوم این بود که شخصی قصد احداث حمام در گوشه خانه خویش دارد و رطوبت حمام به خانه همسایه سرایت می‌کند و ضرر به حال او می‌باشد. در درس قبل مصنف بیان کردند؛ تعارض ضررین وقتی است که صاحبخانه نتواند در غیر آن مکان، حمام احداث کند و إلا ضرر برای صاحبخانه نبوده و مورد از موارد تعارض بین ضررین خارج می‌شود. در این درس دو اشکال مطرح می‌شود تا در صورت توانایی صاحبخانه از احداث حمام در گوشه دیگر منزل، مثال همچنان از موارد تعارض بین ضررین باشد و مصنف به هر دو اشکال جواب می‌دهند.

در ادامه تطبیقات قاعده لا ضرر در موارد فقهی در ضمن ده مثال بیان می‌گردد. مثل حکم استعمال دخانیات و استفاده از قرص‌های ضدبارداری و حکم قمه زدن در عزای امام حسین (ع).... مورد بررسی قرار می‌گیرد.

متن درس

[١٢- تعارض الضررين... الصورة الاولى إذا دار الأمر بين ضررين في حق شخصين فأيهما المقدم؟... الصورة الثانية

ان يفترض أن لإنسان ملكا، كدار أو غيرها، و أراد التصرف باحداث حمام فيها...]

و إذا قيل: إن منع المالك من التصرف في ملكه كيفما أحبّ حرج عليه، و هو منفي في التشريع الاسلامي.

كان الجواب: ان ذلك ليس بحرج؛ لأنّ الحرج هو المشقة الشديدة، و المفروض عدم لزومها.

إذن لا بدّ من فرض البحث في حالة دوران الأمر بين ضررين، و على أساس هذا الافتراض لا يمكن التمسك بحديث

نفي الضرر، لأنّ الأمر يدور بين حكّمين ضرريين، فالحكم بجواز إحداث الحمام مستلزم للضرر على الجار، و الحكم بعدم

جوازه مستلزم للضرر على المالك، و التمسك بالحديث بلحاظ أحدهما دون الآخر ترجيح بلا مرجح.

و إذا قيل: إن قاعدة الناس مسلطون على أموالهم ترجح طرف المالك، حيث ان منعه من التصرف في ملكه خلاف تسلطه

على ماله.

كان الجواب: ان القاعدة المذكورة لا دليل معتبر عليها من الروايات، فانها لم ترد في معاجمنا الحديثية إلّا في البحار. أجل

قد تشتمل عليها بعض كتبنا الفقهية، كالخلاف للشيخ الطوسي ، بل قيل: إن المعاجم الحديثية المشهورة للعامة لا تشتمل

عليها.

و على هذا فهمهم المستند للقاعدة المذكورة هو سيرة العقلاء و ارتكازهم، و القدر المتيقن من ذلك حالة عدم استلزام

تصرف الإنسان في ملكه الضرر بالآخرين.

و بعد اتضاح عدم امكان التمسك بقاعدة لا ضرر يتعين الرجوع- بعد الشك في جواز تصرف المالك في ملكه- إلى

أصل البراءة.

١٣- تطبيقات

١- هل يمكن ان نستفيد- وفق حديث لا ضرر- حكم التطبير في عزاء سيّد الشهداء عليه السّلام جوازا أو تحريما؟

٢- هل يمكن في ضوء حديث لا ضرر استفادة حكم التدخين جوازا أو تحريما؟

٣- يخرج في وجه الشخص احيانا بعض اللحوم الصغيرة الزائدة فإذا أراد قطع تلك اللحوم من خلال شدّ خيط عليها و

نحوه مع عدم وصول الماء إليها يوما أو يومين خلال فترة وجود الخيط فهل ذلك جائز بعد الالتفات إلى امتناع الوضوء

خلال تلك الفترة؟

٤- امرأة أرادت وضع لولب لمنع الحمل فهل ذلك جائز؟ فصل الشقوق المتصورة في ذلك.

٥- شخص لا يمكنه القيام أثناء الصلاة كيف نشخص وظيفته طبق الأدلة؟

٦- إذا فرض ان شخصا يتضرر بشكل و آخر من أداء الصلاة فهل يجوز له تركها؟ و لما ذا؟

٧- مؤمن يعمل في بعض الدوائر الرسمية يحتاج لسبب و آخر إلى حلق لحيته فهل يجوز له ذلك على تفصيل أو مطلقا؟

٨- هل يجوز للمرأة استعمال أقراص منع الحمل، و لما ذا؟

- ٩- مؤمن اعتقد بأن الصلاة من قيام مضرّة له فصلّى من جلوس ثم أتّضح له خطأ اعتقاده فما حكم صلاته؟ و لو فرض العكس: بأن اعتقد أن القيام غير مضر له فصلّى من قيام ثم أتّضح الخطأ فما حكم صلاته؟
- ١٠- هل يشمل حديث لا ضرر الأحكام الترخيضية؟ فلو فرض ان شخصا كان يضربه استعمال الماء فهل يرتفع بذلك جواز شرب الماء بمقتضى الحديث؟ اوضح نكتة جوابك.

اشکال به تفصیل مصنف در تعارض ضررین

صورت دوم تعارض بین ضررین موردی بود که صاحبخانه قصد احداث حمام در خانه خویش داشت و این عمل، سبب سرایت رطوبت به خانه همسایه و ضرر بر او بود، مصنف تعارض بین ضررین را منحصر به صورتی دانستند که صاحبخانه توانایی احداث حمام در مکان دیگری را نداشته باشد، زیرا در صورت توانایی، دیگر تعارض بین ضررین نخواهد بود.

اشکال

در صورت توانایی صاحبخانه از احداث حمام در مکانی دیگر نیز، تعارض بین ضررین می‌باشد، زیرا منع مالک از تصرف در ملکش هر طور که بخواهد سبب حرج بر صاحبخانه است و در اسلام به مقتضای قاعده لاجرح، حکم حرجی برداشته می‌شود، لذا صاحبخانه می‌تواند حمام را در جایی بسازد که ضرر به همسایه شود و باید بحث شود که در این صورت جانب صاحبخانه یا همسایه ترجیح داده شود.

جواب

حرج به معنای مشقت بسیار شدید و غیر قابل تحمل می‌باشد و در ما نحن فیه چنین مشقتی وجود ندارد، لذا در صورت توانایی باید حمام را در مکانی دیگر احداث کند.

اشکال

صورت از موارد تعارض بین ضررین نیست، زیرا جانب صاحبخانه ترجیح دارد زیرا قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» به نفع صاحبخانه جاری می‌شود و صاحبخانه هر طور بخواهد می‌تواند در ملکش تصرف کند و همسایه حق اعتراض ندارد.

جواب

قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» هیچ دلیلی نداشته و پشتوانه‌ای از روایات برای حجیت آن ذکر نشده است و در کتاب‌های حدیثی شیعیان و اهل سنت نیامده و فقط در کتاب بحار الأنوار^۱ و کتاب خلاف^۲ شیخ طوسی آمده است^۳،

۱. ر. ک. بحار الأنوار ج ۲، ص ۲۷۲.

۲. «...أیضا روی عن النبی صلی الله علیه و آله انه قال: «الناس مسلطون علی اموالهم»...». (شیخ طوسی، الخلاف ج ۳، ص ۱۷۶).

۳. «... ما ینسب إلی النبی صلی الله علیه و آله (الناس مسلطون علی اموالهم) و قد وصفه فی مفتاح الکرامة بأنه (المعمول علیه بین المسلمین) و قال: بل هو متواتر و أخبار الإضرار علی ضعف بعضها و عدم مکافتتها لهذه الأدلة یمثل علی ما إذا کان لا غرض له إلا (الإضرار) و إطلاقه یدل علی إن للمالک أن یتصرف فی ماله بأی تصرف و لو کان مضرا بجاره. و یمکن المناقشة فیه من جهتين: الاولى: إنه خبر ضعیف غیر مجبور بعمل الأصحاب فإنه لم یرد فی جوامعنا الحدیثية إلا فی کتاب البحار و أما فی الکتب الفقهية فقد ذکره الشیخ فی الخلاف و ربما یوجد فی بعض مصنفات العلامة و لعل صاحب عوالی اللثالی قد أخذها منها و یوجد فی کلام المحقق الثانی و غیره التعبير بمضمونه من دون الإشارة إلی أنه رواية، و أما فی کتب الحدیث للعامه فالظاهر أنه غیر موجود فی کتبهم المشهورة، كما یعلم بملاحظة المعجم المفهرس لأنفاظ الحدیث النبوی و مفتاح کنوز السنة، نعم لا یبعد وجوده فی بعض کتبهم الحدیثية غیر المعروفة، فما وصفه به فی مفتاح الکرامة لا یخلو عن مبالغة. الثانية: أن مفاد هذا الکلام لیس أزید من عدم محجورية المالک فی تصرفاته فی أمواله بحيث یحتاج إلی استئذان من غیره، و لیس فی مقام بیان الجواز التکلیفی و الوضعی بالنسبة إلی جمیع أنواع التصرفات حتی فی حال الإضرار

و نهایتاً دلیل آن، سیره عقلانی می باشد، یعنی سیره عقلای عالم تعلق گرفته به اینکه مالک هرگونه بخواهد می تواند در ملک خویش تصرف کند، لکن چون سیره عقلا، دلیل لبی می باشد و در دلیل لبی باید به قدر متیقن أخذ کرد و قدر متیقن جایی است که از تصرف مالک در ملکش ضرری به دیگری نرسد.

مقتضای اصل عملی

بعد از عدم تمسک به قاعده لا ضرر و عدم ترجیح یکی از دو طرف، به اصول عملیه رجوع می شود و مقتضای آن در این مثال اصل برائت است، یعنی شخص می تواند در خانه خود تصرف نموده و احداث حمام نماید و دلیلی بر منع او وجود ندارد.

FG

مقتضای اصل عملی در تعارض ← بعد از عدم جریان حدیث لا ضرر در طرفین، به اصل عملی برائت ضررین بین مالک و همسایه رجوع می شود و حکم به عدم ضرر بر مالک می شود.

تطبیق

و إذا قيل: إن منع المالك من التصرف في ملكه كيفما أحب حرج عليه، و هو منفي في التشريع الاسلامي. اگر گفته شود: منع کردن مالک از تصرف در ملکش هر طور که دوست دارد، مشقت برای او می باشد، و آن در دین اسلام نفی شده است. کان الجواب: ان ذلك ليس بحرج؛ لأن الحرج هو المشقة الشديدة، و المفروض عدم لزومها^۱. إذن لا بد من فرض البحث في حالة دوران الأمر بين ضررين، در پاسخ گفته می شود: آن حرج نیست؛ زیرا حرج، مشقت زیاد می باشد، در حالیکه در مسأله لازم نمی آید. در این صورت فرض مسأله تعارض بین دو ضرر می باشد. و علی أساس هذا^۲ الافتراض لا يمكن التمسك بحديث نفي الضرر، لأن الأمر يدور بين حكمين ضررين، فالحكم بجواز إحداث الحمام مستلزم للضرر على الجار، و الحكم بعدم جوازه مستلزم للضرر على المالك، و التمسك بالحديث بلحاظ أحدهما دون الآخر ترجيح بلا مرجح.

بالغير، و لو شك في كونه في مقام البيان من هذه الجهة مضافا إلى الجهة الأخرى فلا أصل يحكم بذلك كما قرر في علم الأصول». (آية الله سيستانی، قاعده لا ضرر، ص ۳۲۸).

۱. مرجع ضمیر: حرج.

۲. مرجع ضمیر: المشقة الشديدة.

۳. یعنی: دوران الأمر بين ضررين.

بر اساس این فرض نمی‌توان به حدیث لا ضرر تمسک نمود، چون امر مردد بین دو حکم ضرری می‌باشد، پس حکم به جواز ساختن حمام، ضرر به همسایه را در پی خواهد داشت، و حکم به عدم جواز آن ضرر به مالک را به دنبال دارد، و جریان حدیث در یک طرف، ترجیح دادن بدون دلیل خواهد بود.

و إذا قيل: إن قاعدة الناس مسلطون على أموالهم ترجح طرف المالك، حيث إن منعه من التصرف في ملكه خلاف^١ تسلطه على ماله.

اگر گفته شود: قاعدة الناس مسلطون على أموالهم، طرف مالک را ترجیح می‌دهد، زیرا ممانعت او از تصرف در ملکش، مخالف تسلط بر مالش می‌باشد.

كان الجواب: ان القاعدة المذكورة لا دليل معتبر عليها من الروايات، فانها لم ترد في معاجمنا الحديثية إلا في البحار. جواب می‌باشد: هیچ دلیل معتبری از روایات بر قاعدة ذکر شده وجود ندارد، زیرا در کتابهای حدیثی ما به غیر از بحار نیامده است.

أجل قد تشتمل عليها^٢ بعض كتبنا الفقهية، كالخلاف للشيخ الطوسي، بل قيل: إن المعاجم^٣ الحديثية المشهورة للعامة لا تشتمل عليها.

بله، بعضی از کتاب‌های فقهی ما آنرا دربردارند و مانند کتاب خلاف مرحوم شیخ طوسی، بلکه گفته شده است، معجم‌های حدیثی رائج بین اهل سنت مشتمل نمی‌باشد.

و على هذا فهم المستند للقاعدة المذكورة هو سيرة العقلاء و ارتكازهم، و القدر المتيقن من ذلك^٤ حالة عدم استلزام تصرف الإنسان في ملكه الضرر^٥ بالآخرين.

بنابراین، مهمترین دلیل برای قاعدة ذکر شده سیره عقلا و ارتکازشان می‌باشد، و قدر متیقن^٦ از آن، حالتی است که از تصرف انسان در ملکش ضرری متوجه دیگران نباشد.

و بعد اتضاح عدم امکان التمسك بقاعدة لا ضرر يتعين الرجوع - بعد الشك في جواز تصرف المالك في ملكه - إلى أصل البراءة.

بعد از آنکه تمسک به قاعدة لا ضرر ممکن نشد تنها راه - بعد از شک در جواز تصرف مالک در ملکش - رجوع به اصل برائت می‌باشد.

Sco ۱:۱۱:۰۳

۱. خبر «إن»

۲. مرجع ضمیر: قاعدة الناس مسلطون على أموالهم.

۳. جمع منتهی الجموع.

۴. مشار إليه: سيرة عقلاء.

۵. مفعول «عدم استلزام».

۶. زیرا سیره عقلا دلیل لیبی می‌باشد، لذا باید به قدر متیقن أخذ شود.

تطبیقات

در محور سیزدهم تطبیقات قاعده لا ضرر مورد بررسی قرار می‌گیرد و آثار این قاعده در احکام فقهی بیان می‌گردد و مصنف از باب نمونه، جریان این قاعده را در چند مورد فقهی ذکر می‌کند.

حکم قمه زنی

آیا حدیث لا ضرر دلالت بر حرمت قمه زدن در عزای امام حسین (علیه السلام) می‌کند؟
جواب: اگر چه قسمت دوم حدیث لا ضرر، دلالت بر نهی از ضرر رساندن دارد، لکن نهی از اضرار، انصراف به ضرر رساندن به دیگران داشته و شامل اضرار به خود شخص نمی‌باشد، لذا از حدیث لا ضرر نمی‌توان حرمت قمه زدن را ثابت کرد.

حکم استعمال دخانیات

آیا حرمت استعمال دخانیات بوسیله حدیث لا ضرر استفاده می‌گردد؟
استعمال دخانیات از موارد اضرار به نفس می‌باشد، و از جواب به سوال اول روشن شد که حدیث انصراف به اضرار به غیر دارد و شامل اضرار به نفس نمی‌شود، پس استعمال دخانیات از باب اضرار به نفس حرام نمی‌باشد.

حکم کندن گوشت زائد بدن

اگر شخصی تعدادی گوشت‌های زائدی در چهره او ایجاد شده باشد و از طریق بستن نخ و امثال آن، بخواهد ریشه آنرا بخشکاند که باعث آزار و اذیت او نشود و این امر مشروط به نرسدن آب به پوستش به مدت مثلاً دو یا سه روز می‌باشد و طبیعتاً نمی‌تواند وضو بگیرد، آیا مطابق با حدیث لا ضرر، حکم به عدم وجوب وضو ثابت می‌شود؟
پاسخ: بحث شمول حدیث لا ضرر، نسبت به احکام عدمی در گذشته مطرح شد، بنابر شمول حدیث نسبت به احکام عدمی، چون عدم جواز چنین عملی مستلزم ضرر بر شخص می‌باشد، لذا حدیث لا ضرر آنرا نفی می‌کند و جواز این عمل ثابت می‌شود و از طرف دیگر چون وضو گرفتن برای شخص ضرر دارد بوسیله حدیث وجوب آن مرتفع می‌گردد و وظیفه شخص در این صورت تیمم خواهد بود.

حکم جلوگیری از بارداری

آیا استفاده از دستگاه آی‌یودی برای زنی که قصد جلوگیری از بارداری دارد، جایز می‌باشد؟
شقوق مختلف در مسأله، در گذشته بیان شد.
اگر باردار شدن برای زن مضر باشد، مثلاً پزشکی او را از باردار شدن نهی کرده باشد، بنابر شمول حدیث نسبت به احکام عدمی گفته می‌شود؛ عدم استفاده از چنین دستگاهی جهت ممانعت از بارداری، ضرر برای زن می‌باشد، در نتیجه بوسیله حدیث لا ضرر جواز استفاده از این دستگاه ثابت می‌شود.
اگر باردار شدن برای او ضرر نداشته باشد، لکن استفاده از این دستگاه، چون عوارض جانبی به دنبال دارد، ضرر به حال نفس محسوب می‌شود و همان‌طور که در گذشته بیان شد حدیث، شامل اضرار به نفس نمی‌شود و دلالت بر حرمت استفاده از آی‌یودی ندارد، نهایتاً در صورت شک به اصول عملیه مراجعه می‌شود که مقتضای آن براءت و

اصالةً الاباحه می باشد، البته در صورتی که استفاده از این دستگاه مترتب بر عنوان ثانوی مثل لمس یا نگاه کردن مرد به عورت زن باشد، فقها^۱ به خاطر عنوان ثانوی حکم به حرمت آن کرده اند.

حکم عاجز از قیام

شخصی قادر به اتیان به نماز در حالت ایستاده نمی باشد، وظیفه او چیست؟
پاسخ: طبق مبنای مصنف که حدیث لا ضرر را در هر حکم ضرری جاری می داند، چون ایستاده نماز خواندن برای شخص ضرری است، حدیث وجوب قیام را برمی دارد، لذا باید نمازش را نشسته بخواند.

FG

مقتضای حدیث لا ضرر در بعضی از احکام فقهی

۱. حکم قمه زدن: حدیث دلالت بر حرمت آن ندارد، زیرا نهی از اضرار انصراف به غیر دارد.
۲. حکم استعمال دخانیات: حدیث دلالت بر حرمت آن ندارد، زیرا نهی از اضرار انصراف به اضرار به غیر دارد.
۳. حکم کندن گوشت زائد: در صورت شمول حدیث نسبت به احکام عدمی، جائز می باشد.
۴. حکم استفاده از آی یودی: استفاده از این دستگاه مطلقاً جائز می باشد، اگر چه بار شدن برای زن ضرر نداشته باشد.

تطبیق

۱۳- تطبیقات

۱. هل يمكن أن نستفيد - وفق حدیث لا ضرر - حکم التطبیر فی عزاء سید الشهداء علیه السلام جوازاً أو تحریماً؟ آیا ممکن است - مطابق با حدیث لا ضرر - حکم قمه زدن در عزای سید الشهداء به صورت جواز یا حرمت استفاده نمائیم؟
۲. هل يمكن فی ضوء حدیث لا ضرر استفاده حکم التدخین جوازاً أو تحریماً؟

^۱ س ۱۲۵۷: آیا زن سالمی که حاملگی برای او ضرری ندارد، جایز است از طریق عزل یا دستگاه دیافراگم یا خوردن دارو و یا بستن لوله های رحم، از بارداری جلوگیری کند، و آیا جایز است شوهرش او را وادار به استفاده از یکی از این راهها غیر از عزل نماید؟
ج. جلوگیری از بارداری فی نفسه به طریق عزل، با رضایت زن و شوهر اشکال ندارد و همچنین استفاده از راههای دیگر هم اگر با یک غرض عقلانی صورت گیرد و ضرر قابل ملاحظه ای هم نداشته و با اجازه شوهر بوده و مستلزم لمس و نظر حرام نباشد، اشکال ندارد، ولی شوهر حق ندارد همسر خود را به این کار وادار نماید. (آیه الله سید علی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، مسائل پزشکی)

آیا در ذیل حدیث لا ضرر، ممکن است حکم استعمال دخانیات را به صورت جواز یا حرمت استفاده کنیم؟
۳. يخرج في وجه الشخص احيانا بعض اللحوم الصغيرة الزائدة فإذا أراد قطع تلك اللحوم من خلال شدّ خيط عليها و نحوه مع عدم وصول الماء إليها يوما أو يومين خلال فترة وجود الخيط فهل ذلك جائز بعد الالتفات إلى امتناع الوضوء خلال تلك الفترة؟

در چهره شخصی در بعضی از موارد بعضی از گوشت‌های کوچکی زائد خارج می‌شود، هنگامیکه قصد قطع آن گوشت‌ها را از طریق محکم کردن نخ بر آن‌ها، و مانند آن کند در حالیکه نباید آب به آن گوشت‌ها، در زمان وجود نخ برسد، آیا آن بعد از توجه به ممنوع بودن وضو در آن زمان، جائز می‌باشد؟

۴. امرأة أرادت وضع لولب لمنع الحمل فهل ذلك جائز؟ فصل الشقوق المتصورة في ذلك.

زنی برای جلوگیری از بارداری، از آی‌یودی استفاده می‌کند، آیا آن جایز است؟ صورت‌های مختلف آن بیان شد.

۵. شخص لا يمكنه القيام أثناء الصلاة كيف نشخص وظيفته طبق الأدلة؟

شخصی قادر به ایستادن در موقع نماز نیست، چگونه وظیفه او را طبق ادله مشخص می‌کنیم؟

SCO۲:۱۸:۵۰

حکم نماز ضرری

بحث پیرامون تطبیق قاعده لا ضرر در چند مورد فقهی بود، پنج مورد آن مورد بررسی قرار گرفت، اینک پنج مورد دیگر ذکر می‌گردد.

شخصی با خواندن نماز، ضرری بر او وارد می‌گردد آیا ترک نماز برای او جایز می‌باشد؟

پاسخ: اتیان نماز اگر چه مطابق با ادله اولیه احکام مثل «أقيموا الصلاة» واجب می‌باشد، لکن حدیث لا ضرر بر ادله اولیه احکام، حکومت داشته و سبب برداشتن حکم و جوب نماز در صورت ضرری بودن می‌گردد، لذا نماز بر این شخص واجب نمی‌باشد.

حکم تراشیدن ریش

شخصی احتیاج به کار کردن در بعضی از اداره‌های رسمی دارد، و برای آنکه شغلش را از دست ندهد مجبور به تراشیدن ریش می‌باشد، آیا ریش تراشی برای او مطلقاً جایز می‌باشد؟
پاسخ: در مسأله باید قائل به تفصیل شد، اگر شغل دیگری برایش وجود ندارد و برای ماندن در اداره باید محاسنش را بتراشد در این صورت، عدم حکم به جواز تراشیدن ریش باعث ضرر بر او می‌باشد، لذا با شمول حدیث نسبت به احکام عدمی حکم به جواز تراشیدن ریش می‌گردد

حکم استفاده از قرص‌های ضدبارداری

آیا استفاده از قرص‌های ضدبارداری برای خانم‌ها جایز می‌باشد؟

پاسخ: اگر ضرر استفاده از این قرص‌ها به اندازه‌ای زیاد باشد که مبعوض شارع محسوب گردد، حکم به حرمت آن می‌شود و اگر ضرر آن قابل اعتنا نباشد، چون دلیلی برای حرمت آن وجود ندارد حکم به جواز آن می‌شود.

حکم قیام ضرری در نماز

اگر شخصی با اعتقاد به ضرری بودن قیام، نماز را نشسته بخواند، سپس متوجه شد که قیام برای او ضرر نداشت، در این صورت حکم نماز او چیست؟ همچنین اگر شخصی با اعتقاد به ضرری نبودن قیام، ایستاده نماز خواند، بعداً ضرری بودن قیام کشف شد، آیا نمازش صحیح می‌باشد؟

در صورت اول باید نمازش را اعاده کند، چون حدیث لا ضرر همان‌طور که در گذشته بیان شد، ضرر واقعی را بر می‌دارد و شامل ضرر علمی نمی‌شود، تا حکم وجوب قیام از او برداشته شود و نشسته نماز خواندن برایش جایز باشد، لذا باید نمازش را اعاده نماید

در صورت دوم، حکمش مثل وضوی ضرری می‌باشد، به این بیان که اگر چه قیام در واقع ضرری بوده، لکن حدیث لا ضرر از باب امتنان می‌باشد و وجوب و لزوم را برمی‌دارد اما اصل ملاک و مصلحت به حال خودش باقی است، لذا نماز خوانده شده از باب اینکه قیام در آن ملاک و مصلحت داشته، صحیح می‌باشد.

حکم ضرر در احکام ترخیصی

آیا حدیث لا ضرر شامل احکام ترخیصیه می‌شود؟ مثلاً اگر شخصی استعمال آب برایش ضرر دارد، آیا حدیث لا ضرر، حکم به اباحه را برمی‌دارد؟

پاسخ: همان‌طور که در گذشته بیان شد، حدیث لا ضرر مثل حدیث رفع در مقام امتنان بر امت اسلامی می‌باشد، لذا در احکام لزومی به دلیل صدق امتنان^۱، جاری می‌شود نه در احکام ترخیصی مثل اباحه، زیرا چه حدیث لا ضرر جاری شود و چه جاری نشود، شخص می‌تواند عمل را انجام ندهد.

FG

۱. حکم نماز ضرری: حدیث بر ادله اولیه حکومت داشته، لذا حکم به عدم وجوب نماز می‌شود.

۲. حکم تراشیدن ریش: اگر تراشیدن آن ضرری و چاره‌ای جز آن نباشد، در صورت شمول حدیث نسبت به احکام عدمی، حکم به جواز آن می‌شود.

۳. حکم قیام ضرری: اگر با اعتقاد به ضرر نماز نشسته خوانده شود، سپس کشف خلاف شود، حکم به اعاده می‌شود، زیرا ضرر واقعی نیست و اگر به اعتقاد عدم ضرر، نماز بخواند و بعد کشف خلاف شود حکم به بطلان نمی‌شود چون مخالف امتنان است.

۴. احکام ترخیصی: حدیث شامل آن نمی‌شود زیرا حدیث در مقام امتنان می‌باشد.

مقتضای حدیث لا ضرر در بعضی از موارد فقهی

^۱ . زیرا سبب برداشته شدن کلفت از مکلف می‌شود و در احکام ترخیصی اصلاً کلفت معنا ندارد تا حدیث آن را بردارد. (آموزشیار)

تطبيق

۶. إذا فرض أن شخصاً يتضرر بشكل و آخر من أداء الصلاة فهل يجوز له تركها؟ و لما ذا؟
اگر شخصی به طریقی ضرر کند و شخص دیگری از طریق نماز خواندن ضرر کند، آیا برای او ترک آن جائز است؟ دلیل آن مطلب چیست؟

۷. مؤمن يعمل في بعض الدوائر الرسمية يحتاج لسبب و آخر إلى حلق^۱ لحيته فهل يجوز له ذلك على تفصيل أو مطلقاً؟
انسان مؤمنی در بعضی از اداره‌های رسمی، به خاطر علتی محتاج به کار کردن می‌باشد احتیاج به سببی دارد و آن دلیل دیگر تراشیدن ریش، آیا می‌توانیم قائل به تفصیل شویم در این حالت جائز و در این حالت جائز نیست، یا مطلقاً بگوئیم جائز نیست.

۸. هل يجوز للمرأة استعمال أقراص منع الحمل، و لما ذا؟

آیا استعمال قرص‌های ضد بارداری برای بانوان جائز هست، چرا؟

۹. مؤمن اعتقد بأن الصلاة من قیام مضره له فصلی من جلوس ثم اتضح له^۲ خطأ اعتقاده فما حکم صلاته؟ و لو فرض العکس: بأن اعتقد أن القیام غیر مضر له فصلی من قیام ثم اتضح الخطأ فما حکم صلاته؟

انسان مؤمنی اعتقاد دارد نماز خواندن به صورت ایستاده برایش ضرر دارد، لذا به صورت نشسته نماز می‌خواند بعداً کشف می‌شود که نماز خواندن به صورت ایستاده برای او ضرر نداشت حکم نمازش چیست؟ اگر مسئله را برعکس تصور شود: به اینکه اعتقاد دارد قیام برایش ضرری ندارد، پس به صورت ایستاده نماز خواند سپس خطایش روشن شد، حکم نمازش چیست؟

۱۰. هل يشمل حدیث لا ضرر الأحكام^۳ الترخیصیه؟ فلو فرض ان شخصاً كان یضره استعمال الماء فهل یرتفع بذلك^۴ جواز شرب الماء بمقتضى الحدیث؟ اوضح نکتة جوابک.

آیا حدیث لا ضرر احکام ترخیصیه را شامل می‌شود؟ اگر فرض شود شخصی استعمال آب برایش ضرر دارد، آیا بواسطه آن جواز نوشیدن آب، طبق حدیث برداشته می‌شود؟ دلیل جوابت بیان شد.

Sc03:27:10

۱. یعنی: تراشیدن.

۲. اسم اشاره.

۳. مرجع ضمیر: مؤمن.

۴. مفعول «یشمل».

۵. مشار إليه: ضرر.

۶. فاعل «یرتفع».

چکیده

۱. حرج به معنای مشقت بسیار شدید و غیر قابل تحمل می‌باشد.
۲. حدیث «الناس مسلطون علی اموالهم» در منابع معتبر حدیثی نیامده، و دلیل آن سیره عقلا می‌باشد.
۳. در تعارض ضررین بین مالک و همسایه، به اصل عملی براءت رجوع می‌شود و حکم به عدم ضرر به مالک می‌شود.
۴. حدیث لا ضرر دلالیت بر حرمت قمه زدن و حرمت استعمال دخانیات ندارد، چون نهی از اضرار، انصراف به اضرار به دیگران دارد.
۵. حکم کندن گوشت زائد بدن: در صورت شمول حدیث نسبت به احکام عدمی، حکم به جواز آن می‌شود و در صورت نیاز حکم وضو برداشته شده و تیمم برای شخص ثابت می‌شود.
۶. اگر باردار شدن برای زن ضرر داشته باشد، استفاده از دستگاه آی‌یودی، در صورت شمول حدیث نسبت به احکام عدمی، اشکال ندارد و اگر باردار شدن ضرر نداشته باشد، اگر چه استفاده از آن دستگاه ضرر داشته باشد، زیرا حدیث لا ضرر انصراف به حرمت اضرار به دیگران دارد.
۷. در صورتی که قیام برای نمازگذار ضرری باشد، به مقتضای حدیث لا ضرر می‌تواند نشسته نماز بخواند.
۸. اگر تراشیدن ریش برای شخص ضرری باشد و چاره‌ای جز تراشیدن نداشته باشد، در صورت شمول حدیث نسبت به احکام عدمی، حکم به جواز تراشیدن ریش می‌شود.
۹. اگر شخص با اعتقاد به ضرری بودن قیام، نماز را نشسته بخواند سپس کشف خلاف شود باید نمازش را اعاده کند، چون مراد از ضرر در حدیث، ضرر واقعی می‌باشد. و اگر با اعتقاد به ضرری نبودن قیام، ایستاده نماز بخواند سپس کشف خلاف شود چون حدیث در مقام امتنان است، حکم به صحت نماز می‌شود.
۱۰. حدیث لا ضرر شامل احکام عدمی نمی‌شود، چون در مقام امتنان می‌باشد.